

متبارک باد خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح، که پدر رحمتها و خدای همه دلگرمیهاست؛ 4 که به ما در همه سختیهایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختیها می‌گذرند، دلگرم سازیم. 5 زیرا همان‌گونه که از رنجهای مسیح به‌فراوانی نصیب می‌یابیم، به همان میزان نیز به واسطه مسیح از دلگرمی فراوان لبریز می‌شویم. 6 اگر در سختی هستیم، به‌خاطر دلگرمی و نجات شماس، و اگر دلگرمیم، باز برای دلگرمی شماس، و این کارگر می‌افتد آنگاه که شما همان رنجها را که ما می‌کشیم با بردباری تحمل می‌کنید. 7 امید ما درباره شما استوار است، زیرا می‌دانیم همان‌گونه که در رنجهای ما سهیم هستید، در دلگرمی ما نیز سهیم خواهید بود.

انجمن عزیز

تسلی، تسلی دادن، یا تسلی گرفتن. این همان موضوعی است که متن این یکشنبه در مورد آن صحبت می‌کند.

منظور چیست؟ چه نوع تسلی؟ تسلی از طرف چه کسی؟ پولس آنقدر زیاد از این کلمه تسلی استفاده می‌کند که می‌توانیم "تسلی" را با حروف بزرگ بنویسیم. زیرا تسلی که پولس در اینجا از آن صحبت می‌کند آنقدر ارزشمند است که قابل خرید نیست. ما نمی‌توانیم آن را مثل دستمال در جیب خودمان حمل کنیم تا هنگام لزوم از آن استفاده کنیم یا آن را به کسی دیگری تحویل دهیم. نه، تسلی چیزی است که وقتی اتفاق می‌افتد، ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد یا در کل بدن نفوذ می‌کند

پس تسلی در واقع چیست؟ در زبان المانی تسلی با واژه Trost ابراز می‌شود. پس آن واژه با ۵ حرف نوشته می‌شود.

حرف T نشانگر یعنی غم و اندوه است	Trauer
حرف R نشانگر یعنی بلاغت	Redebereitsch
حرف O نشانگر یعنی دلسوزی	Obacht
حرف S نشانگر یعنی اتحاد	Solidarität
حرف T نشانگر یعنی وفاداری	Treue

۱. واژه اول غم و اندوه است. این واژه امروزه به ندرت استفاده می‌شود. کلمه دیگری که ظاهراً استفاده می‌شود - رنج است - رنج بسیار نزدیکتر به ما است. اما موضوع همین است. مردم دوران تاریکی را تجربه می‌کنند. مثل این که حاجبی بر دل آنها افتاده. شک و ترس گسترش یافته. شادی از دست رفته است. غم کل ذهن را فرا می‌گیرد. و این دلایل مختلفی دارد. پولس، تجربیات تلخ گوناگونی را به یاد داشت: مشاجرات، زورآزمایی‌ها، جراحات، اتهامات بدخواهانه، حتی بیماری و تهدید روح و بدن. هر یک از ما قادر خواهیم بود کلمه کلیدی "غم" را برای زندگی خودمان به کار ببریم. همه زمان‌هایی تاریکی را می‌شناسیم. زمان‌هایی که در آن ما انسان‌ها متوجه می‌شویم که زندگی آنطور که خدا می‌خواهد نیست. ما همچنین تجربه می‌کنیم که گناه بر زندگی ما سنگینی کرده و بر این دنیا سلطنت می‌کند. مُسلماً مسیح قدرت گناه را شکسته است. اما پولس در اینجا از "رنج مسیح که بر ما می‌آید" صحبت می‌کند. سفر ما با مسیح نیز می‌تواند سفری در رنج و تاریکی باشد. برای ما مسیحیان نیز راهی برای دوری از رنج وجود ندارد. و نمی‌توانیم از آن فرار کنیم. اما کتاب مقدس می‌گوید: "ما باید با مصیبت بسیار وارد ملکوت خدا شویم" (اعمال رسولان ۱۴، ۲۲). بنابراین این نقطه شروع برای هر نوعی تسلی است: تجربه غم و اندوه، رنج و عذاب مسیحی بودن در جهانی که عیسی را نمی‌خواهد، دشوار است. اما اینطور باقی نمی‌ماند.

۲. واژه دوم بلاغت است. هر چیزی که ما را آزار می‌دهد: دوستی شکست خورده، مرگ نزدیکان، مشاجره یا ترس، نگرانی در مورد بچه‌ها، درد، آزار و اذیت... وقتی این اتفاق می‌افتد همیشه خوب است که کسی نه تنها بپرسد "حالت چطور؟" بلکه واقعا وقت بگذارد و گوش دهد و به ما اهمیت دهد. چقدر آرامش‌بخش است وقتی می‌بینیم و احساس می‌کنیم که کسی نگران ماست. کسی هست که به ما اهمیت می‌دهد. او برای ما خوب است. او از ما حمایت می‌کند؛ و می‌توانیم به او اعتماد داشته باشیم. انجیل یوحنا می‌گوید که عیسی مسیح کلام خداست، کسی که خدا به جهان آورده است به عبارت دیگر خداوند دریغ نمی‌کند. او دور نمی‌ماند. پسرش را می‌فرستد. او شخصاً نزد ما می‌آید تا ما را نجات دهد و تسلی دهد. برای شفا دادن، او حتی خود را به عنوان غذا و نوشیدنی در شام آخر به ما می‌دهد. دستش را برای بخشش و برکت بر شانه ما می‌گذارد. بله، او کنار ما می‌نشیند. او به ما گوش می‌دهد و صحبت می‌کند، هر چند که دعا می‌کنیم و کتاب مقدس را می‌خوانیم، خدا ثابت می‌کند که «خدای همه ی تسلی هاست»، همانطور که پولس او را می‌خواند.

۳. واژه سوم دلسوزی است. در مواقع بحران، فرد نمی‌خواهد با کسی دیگر صحبت کند. به خصوص نمی‌خواهد با افرادی که او را درک نمی‌کنند صحبت کند. بنابراین دلسوزی لازم است - برای وضعیت کسانی که حالشان خوب نیست، دیگر قدرتی ندارند، نمی‌دانند بعداً چه کار کنند یا در مانده هستند. پولس در اینجا در نامه خود کسی دیگر را جدی می‌گیرد و با ملاحظه عمل می‌کند. در اولین نامه خود که به قرن‌تیان نوشت، از هیچ بحثی اجتناب نکرد. از هیچ انتقادی دریغ نکرد. در اینجا در نامه دوم پر از آرامش و ملاحظه است. پولس با دقت و محتاطانه واکنش نشان می‌دهد. او چیزهایی را که بر روابط فشار وارد می‌کنند نادیده نمی‌گیرد. اما مشکل را حل می‌کند. با آنها همبستگی نشان می‌دهد. به آنها فرصت می‌دهد و به دنبال این است که خدا با کلام خود با آنها کار کند تا مسیح در مرکز باقی بماند. و به این ترتیب خدا خودش تسلی دهنده می‌شود.

۴. واژه چهارم اتحاد است. پولس صرفاً تسلی دهنده‌ی بزرگی نیست که در طرف مقابل کلیسای نیازمند قرار داشته باشد. برعکس: هر دو در رنج به هم وابسته هستند. آنها به یکدیگر تعلق دارند، با یکدیگر روابط دارند و همبستگی را تمرین می‌کنند. ما هم قطعاً این را می‌دانیم. خوب است کسی را در کنار خود داشته باشیم که دوران سخت، رنج و ناراحتی را هم با ما تجربه کرده و درک کند. پولس در اینجا چنین جامعه‌ای را توصیف می‌کند. و با تعبیر معنوی آن یک قدم جلوتر می‌رود. برای او ضعف‌ها، مصیبت‌ها و رنج‌ها جایی است که قدرت خداوند به کار رفته است «اگر در سختی هستیم، به‌خاطر دلگرمی و نجات شماس، و اگر دلگرمیم، باز برای دلگرمی شماس». شاید این درک به ما کمک کند و راحت باشد: اگر کنار هم بنشینیم و کارهای سخت را تحمل کنیم باید وقتی می‌خواهیم دل‌داری بدهیم و کمک کنیم. در آن زمان حرف و قدرت کم است. باید بدانیم که دقیقاً در چنین لحظات ناتوانی است که وقتی با هم به سخنان خدا گوش می‌دهیم و از او کمک می‌خواهیم، قدرت خداوند به سوی ما می‌آید. همبستگی در رنج. به همین دلیل است که عیسی نیز آن را درک می‌کند. او درد را به تنهایی تحمل کرد. تحقیر، آزار، ندانستن نتیجه، آخرین نفس زندگی انسانی را نیز تجربه کرد. او خود را در رنج قرار داد تا آن را از درون پاک کند. یکشنبه 'Lätare' - به معنی شادی کنید است - ما عید پاک را در میان فصل توبه می‌شناسیم. از طریق مسیح راهی برای نجات از همه مشکلات وجود دارد. رنج شامل ما نمی‌شود، اما با مسیح از آن عبور می‌کنیم. در نهایت، حتی از طریق مرگ و رستاخیز به زندگی ابدی - با مسیح.

۵. به کلام آخر رسیدیم: وفاداری. نمی‌توانم راه‌هایی از غم و اندوه و رنج را پیدا کنم، اگر کسی تنها برای لحظه‌ای بیاید، دستی به شانه‌ام بزند، و بدون توجه بیشتر حرف‌های قشنگ بزند. دل‌داری با "وفاداری" ارتباط دارد. از نظر تاریخی کلمه، تسلی با کلمه انگلیسی "تراست" یا وفاداری مرتبط است. و من می‌توانم به کسی اعتماد کنم که به من روی می‌آورد و در کنارم می‌ماند. حتی اگر برایش سخت باشد و وقت و انرژی زیادی مصرف کند. ممکن است برایش ناراحت کننده باشد .. اما من می‌توانم به کسی اعتماد کنم که به قولش عمل می‌کند. خدا را شکر که چنین افراد قابل اعتمادی وجود دارند. افرادی که حس می‌کنم: آنها من را ناامید نمی‌کنند، می‌توانم به آنها اعتماد کنم، می‌توانم به آنها تکیه کنم. و با این حال ما نیز محدودیت‌های وفاداری خود را می‌دانیم. کیست که نخواهد برای دیگران وقت بیشتری داشته باشد، با وفایش بیشتر دعا کند، وظیفه‌شناس‌تر باشد، صبورتر باشد. با خدا فرق می‌کند: او به‌طور قابل اعتمادی حضور دارد، بسیار بیشتر از هر انسانی. همانطور که پولس در اینجا می‌نویسد، او در کنار شماس: «زیرا رنج مسیح بر ما فراوان است بیایید، ما نیز از طریق مسیح بسیار تسلی خواهیم یافت.» - از طریق مسیح که ما را تنها نمی‌گذارد. که از زمان غسل تعمید در زندگی ما بوده و در کنار ما می‌ماند، دلگرم کننده و تقویت کننده برای ما روز و شب. و همچنین تجربه می‌کنیم که خدا می‌تواند به ما کمک کند تا از مشکلات، از غم و اندوه و ترس خلاص شویم. اما اغلب وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که خدا واقعاً ما را از اعماق بیرون آورده است. او دری را برای ما باز کرده که خیلی محکم بسته بود. او دوباره به پاهای ما پایه‌ای داده است که از ما حمایت می‌کند و می‌توانیم روی آن بایستیم و زندگی خود را بسازیم.

نهایتاً خداوند به ما برادران و خواهران عزیز دل‌داری داد.

دل‌داری او با ماست: در مصیبت با ماست. او نشان می‌دهد که تمایل دارد و با ما صحبت می‌کند. او به وضعیت ما توجه می‌کند. او با ما همبستگی دارد و به ما وفادار می‌ماند. متبارک باد خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح، که پدر رحمتها و خدای همه دلگرمیهاست؛ که به ما در همه سختیهایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختیها می‌گذرند، دلگرم سازیم. آمین.